



تأمین مالی و تخصیص اعتبارات دانشگاه‌های دولتی در ایران (۱)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۰۳۵
کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۴/۵

عنوان گزارش:
تأمین مالی و تخصیص اعتبارات
دانشگاه‌های دولتی در ایران (۱)

نام دفتر:
مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه آموزش عالی و تحقیقات)

تهیه و تدوین کنندگان:
شادی روحانی
هادی یوسفی

ناظران علمی:
موسی بیات، یوسف زراعت کیش

مدیر مطالعه:
حسین نصیری

اظهار نظر کنندگان:
غلامرضا گرایینی‌نژاد، وحید مهربانی

گرافیک و صفحه آرایی:
سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:
سیده مرضیه موسوی

- واژه‌های کلیدی:
۱. سهم دولت از تأمین مالی آموزش عالی
۲. الگوی تخصیص منابع مالی آموزش عالی
۳. ترکیب درآمدی دانشگاه‌ها
۴. هزینه سرانه استاندارد



فهرست مطالب

چکیده	۶
خلاصه مدیریتی	۷
مقدمه و بیان مسئله	۸
۱. تأمین و تخصیص منابع مالی دانشگاه‌ها در اسناد بالادستی	۹
۲. نقش دولت و سایر منابع در الگوهای تأمین مالی	۹
۳. ترکیب درآمدهای و ساختارهای مالی دانشگاه‌ها در کشورهای منتخب	۱۱
۴. ساختار مالی آموزش عالی ایران	۱۳
۵. ابرادهای الگوی تخصیص منابع مالی به دانشگاه‌ها	۱۷
نتیجه‌گیری	۱۹
راهکارهای پیشنهادی	۲۰
منابع و مأخذ	۲۰

فهرست جداول

جدول ۱. ترکیب درآمدهای دانشگاه‌ها در کشورهای منتخب، (درصد)	۱۱
جدول ۲. سهم آموزش عالی دولتی از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۱۹۱۱	۱۲
جدول ۳. ویژگی‌های ترکیب درآمدهای دانشگاه‌های کشورهای منتخب	۱۲
جدول ۴. منابع مالی دانشگاه‌های دولتی ایران در سال ۱۳۹۵	۱۴
جدول ۵. سهم تأمین مالی دولتی و درآمدهای برخی از دانشگاه‌های کشور در سال ۱۳۹۸	۱۴
جدول ۶. هزینه سرانه استاندارد دانشجوی به قیمت‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در مقطع کارشناسی (میلیون ریال)	۱۶



تأمین مالی و تخصیص اعتبارات دانشگاه‌های دولتی در ایران (۱)

چکیده



این دانشگاه‌ها استفاده می‌کند که شامل هزینه‌هایی همچون هزینه سرانه آموزشی، هزینه سرانه خدمات پشتیبانی، هزینه سرانه خدمات دانشجویی - فرهنگی و هزینه سرانه فعالیت‌های پژوهشی و فناوری می‌باشد. همچنین در برآورد نهایی اعتبارات متغیرهایی همچون داشتن مأموریت خاص، هزینه متوسط بالا در دانشگاه‌های کوچک، موقعیت منطقه‌ای و کیفیت آموزش و پژوهش تا حدودی در نظر گرفته می‌شود. به‌طور کلی چالش‌ها و پیامدهای الگوی تخصیص را می‌توان در مواردی مانند: ۱. نبود ضریبی به‌عنوان مشوق برای ایجاد رقابت بین دانشگاه‌ها، ۲. نبود امکان پیوند شاخص‌های کیفی به شاخص‌های کمی مورد محاسبه در این الگو و تحت‌الشعاع قرار گرفتن تضمین و بهبود کیفیت آموزشی^۳. نبود مکانیزم انگیزشی لازم برای مسئله‌محور شدن آموزش‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی و ۴. کم‌رنگ بودن سیاستگذاری بر پایه داده و دانست. از این‌رو الگوی موجود را نمی‌توان الگوی بهینه‌ای جهت تخصیص اعتبارات در نظر گرفت. بنابراین پیشنهادها: ۱. استقرار پایگاه جامع رصد اشتغال دانش‌آموختگان با هدف برنامه‌ریزی داده‌محور در تأمین و تخصیص منابع دانشگاه‌ها، ۲. حمایت از ایجاد نهاد ملی تضمین کیفیت آموزش عالی و اعتباربخشی مستقل، خارج از وزارتین علوم و بهداشت به منظور جلوگیری از پدیده اتحاد ناظر و ارزیابی کیفی دانشگاه‌ها بر مبنای آن نتایج این نهاد، ۳. بورسیه دانشجویان توسط دستگاه‌های اجرایی و بخش‌های صنعتی و خصوصی و ۴. جهت‌دهی منابع مالی مقرر در بودجه سنواتی، کمک‌ها و هدایای اشخاص حقیقی و حقوقی و منابع بازگشتی اعطای تسهیلات به صندوق شورای عالی عتف؛ ارائه می‌شود.

طی سال‌های اخیر، بحران‌های اقتصادی و تحولات و ناپایداری‌های گوناگون سبب شده است تا در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه اولویت دولت‌ها برای تأمین هزینه‌های آموزش عالی تغییر کند. چنین تحولی در رویکرد دولت‌ها، سرمنشأ کاهش سهم دانشگاه‌ها از منابع عمومی و تلاش برای یافتن منابع دیگر برای تأمین هزینه‌های خود بوده است. با در نظر گرفتن این مهم در گزارش حاضر ابتدا تلاش شد تا به نقش و سهم دولت و سایر تأمین‌کنندگان منابع مالی دانشگاه‌ها پرداخته شود. در همین زمینه ترکیب درآمدی و ساختار تأمین مالی دانشگاه‌ها در کشورهای منتخب بررسی شد که نشان می‌دهد ترکیب درآمدی این دانشگاه‌ها از سه منبع شامل: اعتبارات عمومی، درآمدهای اختصاصی شامل شهریه و سایر منابع بوده است. نتایج بررسی‌های حاکی از این است که در کشورهای مورد مطالعه سهم دولت در تأمین منابع مالی دانشگاه‌های دولتی در حال کاهش است و سهم سایر منابع از جمله شهریه، وقف و دیگر منابع در حال افزایش است. همچنین بررسی اسناد بالادستی و قوانین نیز نشان می‌دهد در خصوص شیوه تأمین مالی و تخصیص اعتبارات دانشگاه‌های کشور با خلأ قانونی مواجه هستیم که به نظر می‌رسد نه تنها مصوبه قانونی و سیاستی اصل سی‌ام قانون اساسی و اولویت‌های علم و فناوری نقشه جامع علمی کشور هستند که البته این مصوبات نیز هیچ‌گاه به صورت عملیاتی پیاده‌سازی نشده‌اند.

در رابطه با الگوی تخصیص اعتبارات دانشگاه‌های دولتی، بررسی‌ها نشان می‌دهد سازمان برنامه‌بودجه از الگوی تعیین متوسط هزینه تمام شده استاندارد دانشجویی و توزیع اعتبارات عمومی برای تخصیص اعتبارات



که از پایداری اقتصادی بسیار بهتری نسبت به ایران برخوردارند. در موضوع دوم نیز الگوی موجود تخصیص اعتبارات مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس می‌توان گفت الگوی موجود شامل هزینه سرانه آموزشی، هزینه سرانه خدمات پشتیبانی عمومی، هزینه سرانه خدمات دانشجویی - فرهنگی و هزینه سرانه فعالیت‌های پژوهشی و فناوری است که هریک از هزینه‌های فوق خود شامل هزینه‌های متنوعی هستند. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که در تخصیص اعتبارات دانشگاه متغیرهای اصلی شامل: مأموریت‌های دانشگاه‌ها، هزینه متوسط بالا در دانشگاه‌های کوچک، موقعیت منطقه‌ای و تفاوت هزینه‌های منطقه‌ای و کیفیت آموزشی و پژوهشی دخیل هستند.

در ادامه چالش‌های الگوی موجود تخصیص مورد بررسی قرار گرفت که به ترتیب اولویت عبارتند از: ۱. نبود ضریبی به عنوان مشوق برای ایجاد رقابت بین دانشگاه‌ها، ۲. نبود امکان پیوند شاخص‌های کیفی به شاخص‌های کمی مورد محاسبه در این الگو و تحت الشعاع قرار گرفتن تضمین و بهبود کیفیت آموزشی، ۳. نبود مکانیزم‌های انگیزشی لازم برای مسئله محور شدن آموزش‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی، ۴. کمرنگ بودن سیاست‌گذاری بر پایه داده (به روز و منسجم) در قلمرو آموزش عالی (میزان اشتغال دانش‌آموختگان، میزان قبولی در سطوح بالاتر آموزشی، رتبه کیفی نهادهای آموزش عالی)، ۵. توجه اندک به ظرفیت‌های منطقه‌ای و مأموریت‌های دانشگاه‌ها، ۶. چانه زنی در فرایند تخصیص اعتبارات و چیرگی روابط بر ضوابط، ۷. گذشته محور بودن شیوه تخصیص (بر مبنای سال قبل)، ۸. کم توجهی به اسناد و سیاست‌های بالادستی در تخصیص منابع همچون اولویت‌های علم و فناوری نقشه جامع علمی کشور و ۹. عدم حرکت به سمت بودجه ریزی عملکرد محور در سطح کلان نظام آموزش عالی و درون دانشگاهی.

به منظور برطرف شدن چالش‌های فوق پیشنهادی زیر ارائه شده است:

۱. توسعه و تقویت پایگاه جامع رصد اشتغال دانش‌آموختگان با هدف برنامه ریزی داده محور و استخراج ضریبی به عنوان ضریب بهره‌وری در تعیین اعتبارات دانشگاه‌ها.

۲. حمایت از ایجاد نهاد ملی تضمین کیفیت آموزش عالی و اعتبار بخشی مستقل، خارج از وزارتین علوم و بهداشت به منظور جلوگیری از پدیده اتحاد ناظر و ارزیابی کیفی دانشگاه‌ها بر مبنای آن نتایج این نهاد.

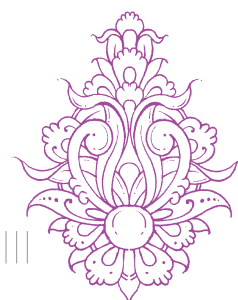
۳. بورسیه دانشجویان توسط دستگاه‌های اجرایی و بخش‌های صنعتی و خصوصی به نحوی که این مجموعه‌ها بتوانند نیازمندی‌های خود به نیروی انسانی متخصص در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف را از طریق بورسیه نخبگان در دانشگاه‌های معتبر و با کیفیت داخلی تأمین کنند. در این فرایند رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مورد نیاز نهادهای فوق با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین خواهد شد.

۴. جهت دهی منابع مالی مقرر در بودجه سنواتی، کمک‌ها و هدایای اشخاص حقیقی و حقوقی و منابع بازگشتی اعطای تسهیلات به صندوق شورای عالی عتف برای حمایت از پژوهش‌های مسئله محور (شایان ذکر است که حمایت‌های دولت از علوم پایه و علوم انسانی راهبردی و بلندمدت است).

تأمین و تخصیص منابع مالی از چالش‌های اساسی نظام آموزش عالی ایران در دوره‌های مختلف بوده است. از این منظر در گزارش حاضر ابتدا مبانی موجود در خصوص نقش دولت، دانشگاه و بازار در الگوهای تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها پرداخته شد. این الگوها به ترتیب با عنوان دیوان سالارانه، مشارکتی و تجاری شناخته می‌شوند. در الگوی دیوان سالارانه دولت ایفاگر نقش اصلی است، در الگوی مشارکتی منابع دولتی بر مبنای فعالیت‌های نهادهای آموزش عالی و به عنوان کمک به دانشگاه‌ها اختصاص داده می‌شود، اما در الگوی سوم (تجاری) بخش خصوصی بر دانشگاه نفوذ دارد و منابع مالی مورد نیاز دانشگاه را بازار و بخش خصوصی به طور مستقیم تأمین می‌کند. در ادامه با انجام یک مطالعه تطبیقی و بررسی ترکیب درآمدی و ساختار مالی دانشگاه‌ها در کشورهای منتخب این یافته به دست آمد که منابع مختلفی مانند منابع عمومی دولت، بخش خصوصی، خانوارها و سایر منابع در تأمین هزینه‌های آموزش عالی دخیل هستند و از این منظر سهم بخش خصوصی و خانوارها در تأمین هزینه‌های سال‌های گذشته در حال افزایش بوده است. همچنین ویژگی‌های نظام اعتبارات دانشگاه‌های کشورهای منتخب مورد توجه قرار گرفت که مشخص شد وجه اشتراک آنها بهره‌گیری از الگوی تخصیص بر مبنای بودجه ریزی مبتنی بر عملکرد است.

بخش دوم گزارش، بررسی اسناد بالادستی در زمینه تخصیص منابع است. در این خصوص اصل سی ام قانون اساسی و نقشه جامع علمی کشور با توجه به ارتباطی که با تأمین مالی دانشگاه‌ها داشتند، مورد بررسی قرار گرفتند. بر طبق اصل سی ام قانون اساسی دولت وظیفه دارد آموزش عالی رایگان را تا سرحد خود کفایی تأمین کند. بنابراین باید در تخصیص منابع مالی این مهم در نظر گرفته شود، اگرچه مفهوم سرحد خود کفایی هیچ‌گاه در نظام حقوقی تعریف نشده است و معیارها و شاخص‌های آن برای مجریان آموزش عالی شفاف نیست. از سوی دیگر نقشه جامع علمی کشور نه تنها به مسائل تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها پرداخته و مسیرهای عملیاتی مناسبی برای آن ارائه کرده است؛ بلکه رویکرد دولت در تخصیص منابع به دانشگاه را نیز با اولویت‌بندی حوزه‌های علم و فناوری و رشته‌های دانشگاهی تبیین کرده است. در بند «۲» از فصل سوم سند نقشه جامع علمی کشور اولویت‌های علم و فناوری کشور در سه سطح الف، ب و ج دسته‌بندی شده و هر سطح نیز به نوبه خود ۶ گروه فناوری، علوم پایه و کاربردی، علوم انسانی و معارف اسلامی، سلامت و هنر، رشته‌های تحصیلی را مدنظر قرار داده است.

در بخش بعدی که به ساختار مالی آموزش عالی ایران اشاره دارد، دو موضوع مهم یعنی ساختار تأمین مالی دانشگاه‌ها از سوی دولت و همچنین الگوی مورد استفاده در تخصیص اعتبارات یعنی تعیین متوسط هزینه تمام شده استاندارد دانشجویی و توزیع اعتبارات عمومی دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در موضوع اول، سیر الگوهای تأمین هزینه‌های دانشگاه‌ها از سال ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۱ بررسی شده است. سهم دانشگاه در اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و همچنین درآمدهای اختصاصی و میزان وقف و امور خیریه در سال ۱۳۹۵ برای نمونه اشاره شده که نشان دهنده وابستگی بیشتر دانشگاه‌های دولتی به منابع عمومی دولت نسبت به دانشگاه‌های کشورهای منتخب است. در این زمینه می‌توان گفت سهم دولت در تأمین منابع مورد نیاز دانشگاه‌ها نزدیک به کشورهای اسکاندیناوی و حتی ژاپن است.



مقدمه و بیان مسئله

از آنجا که ارائه خدمات عمومی همچون آموزش، از مسئولیت اصلی دولت‌ها به‌شمار می‌آید؛ تأمین هزینه‌های آموزش عالی به‌عنوان خدمت شبه‌عمومی مورد توجه است. برخی متخصصان بر این باورند به دلایلی از جمله: ۱. شکست سرمایه‌گذاری، دیر بازده بودن بازار آموزش عالی و عدم تمایل سرمایه‌گذاران برای ورود به این بازار؛ ۲. بی‌تفاوتی خانواده به آموزش فرزندان و یا آگاهی کم آنان و اهمیت آموزش در آینده افراد؛ ۳. نابرابری فرصت‌های آموزشی و قدرت بیشتر دولت در ایجاد امکان دسترسی برابر و عدالت آموزشی برای متقاضیان، دخالت دولت برای تأمین نیازهای این حوزه ضروری است. [۱]

طی سال‌های اخیر، بحران‌های اقتصادی و تحولات و ناپایداری‌های گوناگون سبب شده است تا در بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه اولویت دولت‌ها برای تأمین هزینه‌های آموزش عالی تغییر کند. چنین تحولی در رویکرد دولت‌ها، سرمنشأ کاهش سهم دانشگاه‌ها از منابع عمومی و به‌دنبال آن، توجه به مدیریت منابع مالی تخصیص داده شده به نهادهای آموزش عالی و به‌نوعی یافتن الگویی بهینه برای تخصیص اعتبارات به دانشگاه‌ها شد. براساس آمارهای جهانی منتشر شده یونسکو در سال ۲۰۱۶، به‌طور میانگین بودجه دولتی اختصاص داده شده به آموزش از تولید ناخالص داخلی کشورهای بررسی شده از ۴٫۷ درصد در سال ۲۰۰۹ به ۴٫۵ درصد در سال ۲۰۱۲ کاهش یافته است. نگاهی به روند جهانی ۱۰ ساله این شاخص و مقایسه آن با وضعیت ایران، گویای آن است که همانا در سطح جهانی این شاخص از سال ۲۰۰۹ با ضرب آهنگی ملایم در حال کاهش بوده، در حالی که این شاخص در ایران از سال ۲۰۰۷ با ضرب آهنگی تندتر کاهش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد و از ۴٫۷ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۳٫۲ درصد در سال ۲۰۱۲ افت داشته است. [۲]

شیوه تأمین مالی تأثیرات مختلفی بر عملکرد مؤسسات آموزش عالی نظیر دسترسی برابر، خودمختاری و استقلال مؤسسات آموزش عالی، رقابت بین مؤسسات، پایداری مؤسسات، پاسخ به نیاز دانشجویان و بازار کار و کیفیت آموزش دارد. بنابراین، با در نظر گرفتن چهار شرط اساسی مهیا کردن امکانات و شرایط حقوقی مناسب؛ طراحی، تدوین و اجرای الگوی بهینه تخصیص با امکان بازنگری دوره‌ای؛ استقرار نظام ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی؛ آموزش‌های مناسب و مستمر برای همه [۳]؛ سازوکارهای صحیح تخصیص منابع مالی به‌عنوان یک ابزار مدیریتی و راهبری توانمند در دست دولت می‌تواند بخش اساسی این مسائل را مرتفع ساخته و اهداف آموزش عالی را محقق سازد؛ و ازسوی دیگر، می‌تواند با ایجاد تعادل بیشتر بین دانشگاه و دولت، از هدررفت منابع عمومی جلوگیری کرده و نظام دانشگاهی را در مسیر رشد و تعالی قرار دهد.

در حال حاضر نتایج گزارش‌ها و پژوهش‌ها حاکی از عدم کارایی بودجه و هزینه در دانشگاه‌های دولتی ایران است [۴]، [۵] و [۶] و فراهم‌سازی منابع مالی در بیشتر دانشگاه‌های ایران، وضعیت پیچیده‌ای پیدا کرده است؛ زیرا آن گونه که داده‌های روزآمد رسمی نشان می‌دهد، بخش عمومی یا دولت، اگرچه بیش از ۷۰ درصد از هزینه‌های دانشگاه‌های دولتی را تأمین می‌کنند، اما این سهم با نرخ افزایش هزینه‌های آموزشی هماهنگی ندارد. [۷]. برای عبور از این بحران و رسیدن به نقطه‌ای امن نیاز است تا دولت و دانشگاه هم‌سو و هم‌گام با یکدیگر به تعادلی پایدار و مانا در زمینه تأمین منابع مالی مورد نیاز و همچنین نحوه تخصیص این منابع برسند. از این رو رسیدن به الگویی بهینه و کارآمد در تخصیص اعتبار به دانشگاه‌ها یک مسئله اساسی است. این الگو باید از یکسو با توجه به محدودیت منابع، شیوه‌ای کارآمد را برای تخصیص برگزیند تا بتواند پاسخگوی نیاز جامعه باشد و ازسوی دیگر شرایط را برای ارتقای دانشگاه‌ها هم در کیفیت آموزشی و خدمت‌رسانی و هم رسیدن به سطحی از خودکفایی فراهم آورد. از این رو در گزارش پیش‌رو ابتدا تأمین مالی دانشگاه‌های دولتی و سهم منابع مالی مختلف مورد بررسی قرار گرفته و سپس نحوه تخصیص این منابع و چالش‌های آن اشاره شده است. به بیان دیگر در این گزارش تلاش شده است تا نحوه تأمین و سهم منابع مختلف در منابع مالی دانشگاه‌ها بررسی شود و سپس درخصوص الگوی موجود تخصیص منابع از اعتبارات عمومی برای دانشگاه‌ها اظهار نظر شود.

۱. تأمین و تخصیص منابع مالی دانشگاه‌ها در اسناد بالادستی

تخصیص منابع، اعم از مالی و انسانی و توجه مدیران و مسئولان است. در این میان باید اذعان داشت که اگر چه می‌توان از ریل گذاری نقشه جامع علمی کشور برای توزیع منابع انسانی و مالی در حوزه آموزش عالی به خوبی بهره گرفت؛ اما پرسش اساسی که مطرح است معتبر بودن اولویت‌ها با وجود گذشت زمان نسبتاً طولانی از تدوین سند و ماهیت پویایی و پیچیدگی محیط آموزش عالی است. از این رو، به روشنی می‌توان دریافت که برای رسیدن به اهداف سند نقشه جامع علمی کشور به عنوان یکی از اسناد مهم، نخست نیازمند بازنگری جدی در اولویت‌های علم و فناوری هستیم تا در گام بعدی اولویت‌های تخصیص منابع روشن شود. هر چند این سند وظیفه تخصیص بر مبنای اولویت‌های علم و فناوری را بر عهده دولت قرار داده است، اما از سوی دیگر در چپه‌های دیگری را برای تأمین مالی از محل‌های مختلف برای دانشگاه‌ها گشوده است تا این دو مکانیزم در کنار هم دانشگاه‌ها را به خودگردانی نسبی مالی برساند. برای نمونه در حوزه تنوع بخشی سبد درآمدی دانشگاه‌ها می‌توان به افزایش سهم وقف و خیریه در پشتیبانی از مؤسسات و نهادهای علم و فناوری؛ در حوزه رویه‌ها و قوانین، افزایش استقلال دانشگاه‌ها در مدیریت امور اداری، منابع مالی، درآمدها و هزینه‌ها از طریق افزایش اختیارات و **مسئولیت پذیری هیئت‌های امنا**، تدوین ساز و کارهای حقوقی و تشویق فروش دستاوردها و انتفاع دانشگاه و محقق نظیر ایجاد شرکت دانش بنیان با مشارکت دانشگاه اشاره کرد که هر یک می‌تواند راهی برای درآمدزایی دانشگاه‌ها باشند.

یکی از اصول قانون اساسی که در حوزه تأمین هزینه‌های دانشگاه بسیار مورد استناد قرار می‌گیرد **اصل سی‌ام قانون اساسی** است. در این اصل اشاره شده است که «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خود کفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». بنابراین، بر طبق این اصل دولت وظیفه‌ای نسبت به ارائه آموزش عالی رایگان به همه افراد متقاضی و بدون محدودیت ندارد، بلکه لازم است سرمایه گذاری دولت در آموزش عالی حداقل به اندازه‌ای باشد که خود کفایی کشور به تخصیص‌های مورد نیاز برآورده شود. بنابراین باید توجه داشت که نقش دولت در تأمین منابع مالی دانشگاه‌های دولتی به چه میزان است و نحوه تخصیص این اعتبارات جهت محقق ساختن اصل سی‌ام قانون اساسی چگونه باید باشد.

سند نقشه جامع علمی کشور به مسائل تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها پرداخته و مسیرهای کلی مناسبی برای آن ارائه کرده است. همچنین، این پیوستار رویکرد دولت در تخصیص منابع به دانشگاه را نیز با اولویت بندی حوزه‌های علم و فناوری و رشته‌های دانشگاهی تبیین کرده است. به طوری که در بند «۲» از فصل سوم سند نقشه جامع علمی کشور اولویت‌های علم و فناوری کشور در سه سطح الف، ب و ج دسته بندی شده و هر سطح نیز به نوبه خود ۶ گروه فناوری، علوم پایه و کاربردی، علوم انسانی و معارف اسلامی، سلامت و هنر را مدنظر قرار داده است. در بخشی از سند اشاره شده است که این دسته بندی ناظر بر نحوه و میزان

۲. نقش دولت و سایر منابع در الگوهای تأمین مالی

است و هر گونه تغییر نیازمند گذر از آیین نامه‌ها و مقررات دولتی است. نمونه‌های جهانی مختلفی این الگو در شوروی سابق (روسیه)، چین و سنگاپور دیده می‌شود. [۸]، [۹]

الگوی دوم، مشارکتی است که منابع دولتی بر مبنای فعالیت‌های نهادهای آموزش عالی و به عنوان کمک به دانشگاه‌ها اختصاص داده می‌شود. بر پایه مبانی و اصول این الگو، نهادهای آموزش عالی مجازند تا به جذب منابع خصوصی (از طریق شهریه دانشجویی، انجام طرح‌های تحقیقاتی، انجام پژوهش‌های علمی برای دیگر واحدهای اقتصادی، بورس تحصیلی و یا سرمایه گذاری در برخی برنامه‌های ویژه) مبادرت کنند. دو رویکرد اصلی در این الگو قابل تشخیص است، نخست رویکرد سنتی وابستگی مالی **نهادهای آموزش عالی به منابع تخصیص داده شده از سوی دولت**؛ و رویکرد دوم، **ارتباط دانشگاه و دولت که بر مبنای اعتماد شکل گرفته است**. اگر چه در این الگو نیز دولت سهم بیشتری در تأمین هزینه‌های دانشگاه دارد، با این حال استقلال

الگوی تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها و نقش دولت‌ها در آنها را می‌توان به سه دسته تقسیم بندی کرد، الگوی دیوان سالارانه، مشارکتی و تجاری. در هر یک از این الگوها نقش و پیوند دولت، دانشگاه و بازار در ارتباط با منابع مالی مورد بررسی قرار گرفته است. **الگوی اول**، دیوان سالارانه که دولت نقش اصلی را در تأمین تمام و یا سهم بالایی از بودجه مورد نیاز مراکز آموزش عالی بر عهده دارد. در این الگو، دولت با بهره گیری از ابزار قانون و منابع مالی بر کلیه فعالیت‌های نهاد آموزش عالی نفوذ دارد. آن دسته از نظام‌های آموزش عالی که از این الگوی مالی پیروی می‌کنند، اجازه فعالیت‌های مالی مستقل و یا جذب درآمد از منابع مالی خصوصی (غیردولتی) را ندارند. بودجه سالیانه اختصاص داده شده به این گونه نهادها معمولاً دستوری بوده، قدرت چانه زنی در آن وزنه سنگینی است و مبنای آن عملکرد مالی سال پیشین است و نتیجه آن استفاده بی برنامه از منابع دولتی و بدون توجه به نیازهای روز دانشگاه است. در چنین شرایطی فرایندهای دیوان سالارانه بر فعالیت‌های دانشگاه سایه افکنده



نهادی و مالی نهاد آموزش عالی به رسمیت شناخته می‌شود. نمونه‌هایی از این دست را می‌توان در انگلستان و تاحدی ژاپن، نیوزلند، هلند، ایرلند و آلمان مشاهده کرد. [۹]، [۱۰] استقلال نهادی و مالی از الزامات استقرار الگوی مالی مشارکتی است که به رهبران دانشگاهی اجازه می‌دهد تا منابع مالی دانشگاه (کمک هزینه‌های دولتی و منابع خصوصی) در راستای اهداف و برنامه‌های دانشگاه توزیع و هزینه کنند. آنچه بدان اشاره شد از نقاط مثبت این الگوی مالی است، اما، **با دور شدن دانشگاه از وابستگی به دولت، بیم آن است که منافع دانشگاه نسبت به منافع عمومی در اولویت بالاتری قرار گیرد.** این امر ویژگی‌های یک بنگاه خصوصی را در دانشگاه تقویت می‌کند و از نکات منفی الگوست که باید مورد توجه قرار گیرد.

الگوی سوم، در الگوی تجاری بخش خصوصی بر دانشگاه نفوذ دارد. منابع مورد نیاز مالی دانشگاه را مستقیماً بازار و بخش خصوصی تأمین می‌کند و از طریق مبادلات و قراردادهایش بر فعالیت دانشگاهی تأثیر گذار است و گاهی دانشگاه به نام کارآفرینی به مکانی برای کسب سود تقلیل پیدا می‌کند. در اینجا دیگر دولت و حکومت‌ها به شکل عریان در دانشگاه دخالت نمی‌کنند، اما بازار و مکانیزم‌های وابسته به آن بر دانشگاه القا می‌شود، جذابیت درآمدهای اختصاصی، و سوسه انگیز می‌شود و ترجیحات بازاری و بنگاهداری بر کارکردهای دانشگاهی به صورت غیرمستقیم و حتی ناخودآگاه حاکم می‌شود. به این ترتیب، به نظر می‌رسد در چنین الگویی دیگر **دولت اصلی‌ترین تأمین‌کننده خدمات آموزش عالی نیست** که با توجه به قوانین و ضوابط دولتی اولویت‌ها این قلمرو را تعیین کند. در این شرایط عدالت آموزشی و دسترسی به آموزش عالی در دست بازار و تصمیم‌ها و اولویت‌های بازار قرار می‌گیرد تا خطر سرمایه‌گذاری را حداقل و زمان بازده آن را کوتاه کند که می‌تواند نارضایتی جامعه در پاسخگویی به نیازهای آموزشی را نیز به همراه داشته باشد. در ایران **با توجه به مسئولیتی که اصل سیم قانون اساسی بر دوش دولت برای تأمین نیازهای آموزشی قرار داده است، دولت باید نقش خود را حتی با وجود حضور بازار در تأمین بخشی از هزینه‌های آموزشی ایفا نماید.**

همان‌گونه که در ابتدای بحث اشاره شد، **در این الگو، بازار در کنار دولت قرار می‌گیرد و الگو بر تعادل میان این دو بخش تأکید دارد.** یکی از ویژگی‌های در خور توجه در این الگو، **شکل‌گیری محیط رقابتی است که به سبب حضور بازار در میان مؤسسات آموزش عالی برای جذب منابع مالی بیشتر ایجاد می‌شود.** در چنین محیطی دانشگاه‌ها انگیزه می‌یابند تا هزینه تمام شده خود را کاهش دهند که این امر

می‌تواند منجر به متناسب شدن شهریه‌های دانشجویی شود، سعی در ارتقای کیفیت داشته باشند و انعطاف‌پذیر بوده و به تقاضای بازار واکنش نشان دهند. در کنار جنبه‌های برانگیزاننده و مزایای این الگو که می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی و در برخی موارد بهبود عملکرد دانشگاه کمک کند، باید به برخی معایب این الگو نیز اشاره کرد. **در این الگو، جذب منافع مالی به یکی از اهداف کوتاه‌مدت، اما غالب در دانشگاه بدل می‌شود که به مرور زمان به سبب نیازهای مالی دانشگاه، این اهداف قوت گرفته و اهداف اصلی و بلندمدت دانشگاه را تضعیف می‌کند.** [۱۱] بدین ترتیب، این رویکرد می‌تواند برنامه‌های آموزشی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. به طوری که **برنامه‌های هزینه‌بر که بازده بلندمدت تری دارند ممکن است در اولویت دانشگاه قرار نگیرند** که پیامد چنین تصمیم‌هایی از سوی دانشگاه کمبود نیروی متخصص در برخی رشته‌ها در جامعه است. [۱۲] یکی دیگر از معایب این الگو که از ویژگی‌های بازار نشئت می‌گیرد تقاضا برای خروجی‌های علمی و کاربردی در کوتاه‌ترین زمان است که با روح آزادی علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه در تضاد است. شاید بتوان گفت رشته‌های علمی مانند علوم انسانی و علوم پایه در این الگو کمتر مدنظر قرار می‌گیرند و تمرکز بر رشته‌های کاربردی تر است.

بنابر آنچه از الگوهای تأمین منابع مالی و ارتباط دانشگاه و دولت و بازار گفته شد، شاید بهترین الگوی تأمین منابع مالی برای ایران الگوی **شبه دولتی - بازاری** باشد. شرایط اقتصادی و سیاسی دولت و نقش و جایگاه نهادهای آموزش عالی در ایران ایجاب می‌کند تا دولت برای کاهش فشارهای اقتصادی و استفاده بهینه از منابع محدود مالی در دسترس، ضمن **تشویق دانشگاه‌ها به خودگردانی مالی، تأمین بخشی از هزینه‌های آموزشی را نیز برعهده گیرد.** در این شرایط پیوندی از عملکرد دانشگاه و دولت را شاهد هستیم که در یک سوی آن دولت قرار گرفته و باید ضمن پاسداشت اصول و قوانین حاکم، مؤلفه‌هایی چون استفاده حداکثری از زیرساخت‌های قانونی، کیفیت آموزشی، عدالت آموزشی، ظرفیت‌های منطقه‌ای و ذی‌نفعان اصلی آموزش عالی را در تخصیص منابع مدنظر قرار دهد و در سوی دیگر آن دانشگاه‌ها هستند که باید با تکیه بر این منابع محدود دولت و مدیریت آن، ضمن ارتقای کیفی خدمات دانشگاهی، پیوندهای خود را با بازار تحکیم کرده تا بتواند به منابع مالی جایگزین و پایداری دست یابد. در این شرایط الگوی تأمین منابع شبه دولتی - بازاری محقق می‌شود و می‌توان آن را پیوند میان دولت و بازار برای سرمایه‌گذاری بهینه در حوزه آموزش دانست.



۳. ترکیب درآمدی و ساختارهای مالی دانشگاه‌ها در کشورهای منتخب

است. این کشورها براساس موقعیت جغرافیایی، اطلاعات در دسترس و ویژگی‌های نظام مالی انتخاب شده‌اند تا تنوع ترکیب‌های درآمدی نشان داده شود. در بخش دوم، علاوه بر کشورهای فوق اطلاعات مربوط به شاخص سهم آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی برخی دیگر از کشورها نیز آورده شده است. شایان ذکر است که اطلاعات این شاخص‌ها براساس داده‌های در دسترس در کشورها گردآوری و ارائه شده است و هدف مقایسه بین کشورها نیست، بلکه نشان دادن رویکرد دولت‌ها در کشورهای مختلف برای تأمین هزینه‌های آموزشی است.

در این بخش ترکیب درآمدی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی برخی کشورهای پیش‌رو در زمینه آموزش عالی آورده شده است تا نقش و سهم دولت‌ها در تأمین هزینه دانشگاه‌ها بیشتر شفاف شود. نگاهی به این ترکیب درآمدی در کنار روند تاریخی تغییراتی که در اعتبارات اختصاص داده شده به دانشگاه‌ها ایجاد شده، این واقعیت را روایت می‌کند که رویکرد دولت‌ها به آموزش عالی، تعیین کننده سهم آنان از تأمین هزینه‌های آموزشی در سطوح عالی است. برای آنکه بتوان تصویری شفاف از این مهم ارائه داد، نخست ترکیب درآمدی دانشگاه‌ها در کشورهای پرتغال، ایالات متحده آمریکا و آفریقای جنوبی آورده شده

جدول ۱. ترکیب درآمدی دانشگاه‌ها در کشورهای منتخب، (درصد)

۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳		
					۵۳/۶	۶۵/۶	۷۳/۴	۷۰/۹	۶۶/۵	۶۶/۵	۷۰/۷	۶۹/۸	۷۰	۷۶/۲	دولتی	پرتغال
															خصوصی	
					۱۸/۴	۱۴/۵	۱۲/۷	۱۵/۱	۱۳/۹	۱۳/۲	۱۱/۸	۱۰/۹	۱۱	۸/۲	خانوارها	
					۲۸	۱۹/۹	۱۳/۹	۱۳/۹	۱۹/۶	۲۰/۳	۱۷/۵	۱۹/۳	۱۹	۱۵/۶	دیگر منابع	
۳۵/۱	۳۵/۰	۳۵/۲	۳۴/۷	۳۶/۳	۳۷/۸	۳۹/۱	۴۰/۰	۵۱/۲	۵۱/۷	۴۹/۲	۵۰/۳	۵۰/۵	۵۱/۹	۵۳/۷	دولتی	ایالات متحده امریکا
۱۱/۲	۱۰	۹/۳	۱۰/۸	۱۱/۸	۱۲/۱	۱۱/۳	۱۲								خصوصی	
۴۴/۴	۴۵	۴۶/۵	۴۷	۴۵	۴۴/۱	۴۳/۶	۳۸	۲۱/۶	۲۰/۳	۱۹/۱	۱۹/۳	۱۸/۹	۱۸/۱	۱۶/۸	خانوارها (شهریه)	
۹/۳	۱۰	۹	۷/۵	۷/۵	۶	۶	۱۰	۲۷/۲	۲۸/۰	۳۱/۸	۳۰/۴	۳۰/۶	۳۰/۰	۲۹/۵	دیگر منابع	
۲۸	۳۰/۵	۳۰	۳۵	۳۸	۴۰		۴۰		۴۰		۴۰	۴۳	۴۶	۴۹	دولتی	آفریقای جنوبی
															خصوصی	
۴۲/۸	۴۰	۴۰	۳۵	۳۳	۳۱		۳۰		۲۸		۲۸	۲۹	۲۶	۲۴	خانوارها (شهریه)	
۲۹/۲	۲۹/۵	۳۰	۲۹	۲۸	۲۹		۳۰		۳۲		۳۲	۲۸	۲۸	۲۷	دیگر منابع	

Source: <https://www.oecd.org/education,2023>.^[13]

در راستای افزایش سهم این بخش‌ها باشد. هر چند که شرایط اقتصادی، بحران‌های مالی و سایر شرایط پیش‌روی کشورها نیز در اتخاذ تدابیر دولت‌ها در خصوص اعتبارات بخش آموزش عالی بی‌تأثیر نیست. این در حالی است که با توجه به داده‌های جدول فوق تمایل بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه در کنار سهم خانوارها در قالب شهریه به همان اندازه در این سال‌ها افزایش یافته است. به‌طوری که می‌توان گفت سهم این دو بخش از تأمین مالی آموزش عالی افزایش پیدا کرده و از سهم بخش دولتی فراتر رفته است. در جدول زیر سهم نظام‌های آموزش عالی از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۲۰۱۹ - ۲۰۱۰ اشاره شده است.

از داده‌های جدول بالا، به‌روشنی می‌توان دریافت که بخش‌های مختلف جامعه اعم از دولت، خانوارها و بخش خصوصی در تأمین هزینه‌های دانشگاه‌ها مشارکت دارند در این بین کاملاً مشهود است که رویکرد دولت‌ها در تأمین هزینه‌های آموزش در سطح عالی تغییر کرده است. به‌گونه‌ای که سهم دولت‌ها در مقایسه با سهم بخش خصوصی، خانوارها و دیگر منابع طی سال‌های اخیر کاهش یافته است. این مهم رانمی‌توان الزاماً به معنای کاهش میزان اعتبارات اختصاص یافته از سوی دولت به بخش آموزش عالی در نظر گرفت، چراکه سیاست‌های دولت در تشویق سایر بخش‌ها به مشارکت در تأمین مالی خود می‌تواند به عنوان اهرمی



جدول ۲. سهم آموزش عالی دولتی از تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹

۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	
	۱٫۱۲	۱٫۲۴	۱٫۰۰	۰٫۸۲	۰٫۷۸	۰٫۷۰	۰٫۸۸	۰٫۹۵	۰٫۷۹	ایران
		۰٫۸۰	۰٫۸۵	۰٫۸۹	۰٫۹۱	۰٫۸۹	۰٫۹۱	۱٫۰۰	۱٫۰۹	پرتغال
		۱٫۴۵	۱٫۲۱	۱٫۳۷	۱٫۳۶	۱٫۳۴				ایالات متحده آمریکا
۱٫۱۳	۰٫۹۴	۰٫۸۸	..	۰٫۷۵	۰٫۷۴	۰٫۷۵	۰٫۷۶	۰٫۷۰	۰٫۶۸	آفریقای جنوبی
		۰٫۶۴	۰٫۶۳	..	۰٫۷۵	۰٫۷۳	۰٫۷۴	۰٫۷۱	۰٫۷۳	ژاپن
۰٫۹۵	۰٫۹۶	۰٫۹۸	۱٫۱۱	..	..	۱٫۶۷	۱٫۶۳	۲٫۱۳	۱٫۷۱	مالزی
		۲٫۱۱	۲٫۱۵	۱٫۹۶	۲٫۲۰	۱٫۹۹	..	۱٫۹۳	۲٫۰۰	نروژ
		۱٫۷۹	۱٫۸۴	۱٫۸۵	۱٫۹۱	۱٫۹۳	۱٫۹۱	۱٫۸۵	۱٫۸۹	سوئد

منبع: بانک جهانی، ۲۰۲۳، [۱۴]

اطلاعات دو کشور نروژ و سوئد به این دلیل در جدول بالا گنجانده شده است تا تفاوت سهم آموزش عالی دولتی از تولید ناخالص داخلی در میان کشورهای اسکاندیناوی نشان داده شود. همان گونه که از داده‌های گزارش شده مشخص است، دولت‌های رفاه در مقایسه با دیگر کشورها، سهم قابل ملاحظه‌ای از بودجه عمومی را به آموزش عالی تخصیص می‌دهند که شاید بتوان گفت آموزش عالی در این سطح برای این دولت‌ها در اولویت جدی قرار دارد و در این سال‌ها روندی پایدار را داشته است.

جدول ۳. ویژگی‌های ترکیب درآمدی دانشگاه‌های کشورهای منتخب

کشور	ویژگی‌های ترکیب درآمدی
پرتغال	■ روند کاهشی اعتبارات عمومی. ■ روند چشمگیر سهم شهریه. ■ روند افزایشی سهم درآمد موقوفه، فروش خدمات.
ایالات متحده آمریکا	■ روند کاهشی سهم اعتبارات عمومی (کاهش ۱۸/۶ درصدی). ■ افزایش ۲۷/۶ درصدی سهم شهریه و اتکای دانشگاه بر درآمدهای حاصل از شهریه. ■ پیروی از بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد (توجه به شاخص‌های سابقه تاریخی، معیارهای خارجی و اهداف عملکردی در تخصیص). ■ کمک‌های مالی از سوی سازمان‌هایی مانند بنیاد ملی علوم، مؤسسه ملی بهداشت در قالب کمک‌های مالی و قراردادهای.
آفریقای جنوبی	■ تخصیص بر مبنای چارچوب بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد. ■ طراحی مکانیزم‌های دقیق نظارتی. ■ پاداش و مشوق مبتنی بر عملکرد و بازدهی و ایجاد فضای رقابتی میان دانشگاه‌ها برای ارائه خدمات.
ژاپن	■ توجه به شاخص‌های دانشجویی، تعداد اعضای هیئت علمی و واحدهای آموزشی در تعیین میزان بودجه. ■ روند کاهش سهم آموزش عالی دولتی از تولید ناخالص داخلی.
مالزی	■ طرح جامع آموزش عالی ۲۰۲۵-۲۰۱۵ و اجرای شیوه تخصیص عملکرد محور. ■ رویکرد بهره‌گیری کارآمد و موثر از منابع برای ارتقای کارایی و اثربخشی. ■ شفافیت و پاسخگویی در مورد هزینه‌کرد بودجه عمومی. ■ ایجاد فضای رقابتی میان دانشگاه‌ها. ■ کاهش وابستگی دانشگاه‌ها به بودجه دولتی و افزایش استقلال مالی.
ترکیه	■ وجود دانشگاه‌هایی با عنوان دانشگاه خیریه‌ای که برپایه درآمدهای حاصل از وقف و شهریه اداره می‌شود. ■ دولت بخشی از منابع دانشگاه‌های ملی یا دولتی را فراهم کرده و نقشی در تأمین بودجه دانشگاه‌های خصوصی و خیریه ندارد. ■ دانشگاه‌های دولتی در حوزه مالی استقلال کامل دارند.
چین	■ مسئولیت‌های مالی آموزش عالی بر عهده دولت مرکزی است. ■ شیوه تخصیص منابع در آموزش عالی در این کشور مبتنی بر عملکرد است. ■ اختصاص بودجه‌های پروژه محور از سوی دولت به دانشگاه‌ها. ■ اختصاص سهمی از درآمدهای مالیاتی دولت به آموزش عالی.

منبع: یافته‌های پژوهش.

۱. با توجه به نزدیکی بافت آموزش عالی ایران با کشور ترکیه تلاش شد تا اطلاعاتی از این کشور استخراج شود، اما متأسفانه اطلاعاتی از منابع مالی اختصاص داده شده از سوی دولت این کشور به حوزه آموزش عالی در بانک جهانی گزارش نشده بود.
۲. بر همین اساس و برای تعریف دانشگاه‌هایی که بتوانند از بودجه پروژه محور استفاده کنند، پروژه‌های کلانی توسط دولت تعریف شد که دانشگاه‌ها براساس اینکه در کدام یک از آنها می‌توانستند حضور فعالی داشته باشند، تقسیم‌بندی شده و بودجه دریافت می‌کنند.

و غیردولتی در تأمین هزینه‌های آموزش عالی در نظام‌های مشارکتی - که دولت‌ها و دانشگاه‌ها با توجه به ویژگی‌های بافتی برگزیده‌اند - وجه اشتراک این کشورها بهره‌گیری از الگوی تخصیص بر مبنای بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد است. اگرچه در ایران سال‌هاست در احکام برنامه‌های توسعه (برای مثال بند «پ» ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه)^۱ بر این مسئله تأکید شده است، اما به دلایلی که در ادامه بدان پرداخته می‌شود هیچ‌گاه به‌طور تمام و کمال اجرایی نشد و الگوی تخصیص از این شیوه کارآمد که می‌تواند ارتقای کیفیت و رقابت را میان دانشگاه‌ها رقم بزند، بی‌بهره مانده است.

همان‌گونه که از ابتدای گزارش نیز تأکید شد رسیدن به الگویی بهینه برای تخصیص منابع عمومی به دانشگاه‌ها مستلزم توجه همزمان به دولت و دانشگاه در یک پیوستار است. برای این منظور نیز ترکیب مالی در کنار الگوی تخصیص در این دانشگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در کنار سیاست‌ها و روش‌های مختلفی همچون بهره‌گیری از ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای، هدایت دانشگاه‌ها برای ارائه خدمات تقاضامحور آموزشی و پژوهشی و تخصیص منابع براساس این‌گونه خدمات، افزایش شهریه‌های دانشجویی، تعریف وام‌ها و پژوهانه (گرن‌ت‌های پژوهشی) دولتی و غیردولتی، مشوق‌های قانونی برای فعال‌سازی نهادهای دولتی

۴. ساختار مالی آموزش عالی ایران

۴-۱. ساختار تأمین مالی دانشگاه‌ها از سوی دولت در ایران

بررسی ساختار تأمین مالی دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزشی در ایران نشان می‌دهد که همانند بسیاری از کشورها، دانشگاه‌های دولتی از محل منابع عمومی و غیرعمومی (درآمدهای اختصاصی) هزینه‌های خود را تأمین می‌کنند. در بحث بودجه عمومی، تنها دانشگاه‌های دولتی مشمول بودجه عمومی می‌شوند و با وجود وابستگی به وزارت علوم تحقیقات و فناوری، از نظر دولت دارای جایگاه حقوقی مستقل بوده و ردیف بودجه مجزایی برای هر یک در قانون بودجه در نظر گرفته می‌شود. براساس تبصره «۱» ماده (۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه^۲ (مصوب ۱۳۹۶/۱/۱۶)، بودجه اختصاص داده شده به دانشگاه‌ها از سوی دولت کمک تلقی شده و دو نهاد واسط (سازمان برنامه و بودجه و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) در فرایند تعیین و تصویب آن نقش دارند. طی ۴ دهه گذشته شیوه تخصیص منابع عمومی به دانشگاه‌های دولتی ایرانی از الگوهای متفاوتی تبعیت کرده است؛ حال آنکه به‌نظر می‌رسد با کاهش بودجه عمومی طی این سال‌ها، دولت همواره به دنبال الگویی بهینه برای تأمین هزینه‌های دانشگاه‌ها با توجه به روند کاهشی منابع مالی خود بوده است.

الگوی اول: شروع انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۸۴، الگوی مبتنی بر نهاده‌ها (هزینه‌ها)،

الگوی دوم: ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲، الگوی مبتنی بر هزینه سرانه دانشجویی،

الگوی سوم: ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵، الگوی هزینه سرانه استاندارد،

الگوی چهارم: ۱۳۹۶ تا کنون، الگوی سرانه استاندارد و شاخص‌های

تکمیلی عملکردی. سازمان برنامه و بودجه، بودجه پیشنهادی بر پایه الگوی جاری را در لایحه بودجه تعیین می‌کند تا پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی مراحل اجرایی شدن بودجه‌های مصوب آغاز شود. پس از آن، منابع عمومی (اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی)^۳ نخست به دانشگاه‌ها ابلاغ می‌شود و در گام بعدی، منابع عمومی به صورت ماهیانه و یا چندماهه از سوی سازمان برنامه و بودجه به دانشگاه‌ها تخصیص داده می‌شود. از این رو به‌طور کلی می‌توان گفت سازمان برنامه و بودجه نقش اصلی را در تعیین، تصویب، ابلاغ و تخصیص بودجه عمومی به دانشگاه دارد و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نقش کم‌رنگ‌تری در این زمینه ایفا می‌کند. بررسی قوانین بودجه سالیانه نشان می‌دهد که سهم عمده اعتبارات مالی این بخش دارای ماهیت هزینه‌ای و مابقی ماهیت تملک‌دارایی‌های سرمایه‌ای بوده که به دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر دستگاه‌های اجرایی اختصاص یافته است. برای نمونه عملکرد کل اعتبارات آموزش عالی در دوره پنج ساله ۱۳۹۵-۱۳۹۰ به صورت تجمعی بالغ بر ۳۵۴ هزار و ۲۴۸ میلیارد ریال بوده است که حدود ۹۴/۳ درصد (حدود ۳۳۴ هزار و ۹۵ میلیارد ریال) در برنامه‌های هزینه‌ای و ۵/۷ درصد (۲۰ هزار و ۱۵۲ میلیون ریال) در طرح‌ها و پروژه‌های تملک‌دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه شده است. [۱۵] نگاهی به اعتبارات هزینه‌ای بخش آموزش عالی طی برنامه پنجم توسعه که در گزارش سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۶) منعکس شده است نشان می‌دهد که عملکرد این اعتبارات از رشد متوسط سالیانه ۴۳/۳ درصد برخوردار بوده است.

۱. دولت موظف است از سال اول اجرای قانون برنامه، سالیانه اعتبارات بیست درصد (۲۰٪) دستگاه‌های اجرایی مندرج در قوانین بودجه سنواتی را به صورت بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد تنظیم نماید، به‌نحوی که در سال پایانی اجرای قانون برنامه، صد درصد (۱۰۰٪) دستگاه‌ها، دارای بودجه مبتنی بر عملکرد باشند. مفاد این بند شامل مدارس دولتی نمی‌شود.

۲. اعتبارات اختصاص یافته از منابع عمومی دولت به این مراکز و مؤسسات، کمک تلقی و بعد از پرداخت، به هزینه قطعی منظور می‌شود و براساس بودجه تفصیلی مصوب هیئت امنا و با مسئولیت آنها قابل هزینه است.

۳. بودجه پیش‌بینی شده برای دانشگاه‌ها به تفکیک در قالب اعتبارات هزینه‌ای که با هدف اجرای فعالیت‌ها و برنامه‌های اصلی دانشگاه‌ها و اعتبارات تملک‌دارایی که با هدف اجرای طرح‌ها و پروژه‌های تملک‌دارایی‌های سرمایه‌ای و به‌منظور تأمین و تجهیز فضاهای آموزشی و کمک آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مصوب می‌شود.

جدول ۴. منابع مالی دانشگاه‌های دولتی ایران در سال ۱۳۹۵

اعتبارات هزینه‌ای (عمومی)	اعتبارات تملك دارایی (عمومی)	ردیف‌های متمرکز پرداختی به دانشگاه از وزارت (صندوق امور دانشجویان)	درآمد اختصاصی	درآمد اختصاصی (سازمان امور دانشجویان)	درآمد وقف و امور خیریه	درآمدهای بین‌المللی
۴۸,۲۷۶	۸,۰۰۰	۶,۰۰۰	۱۳,۳۹۷	۴,۰۰۰	۲,۰۰۰	۰
۵۹,۱	۹,۸	۷,۳	۱۶,۴	۴,۹	۲,۴	۰
سهم تجمعی	۷۶,۳	۲۱,۳	۰	۰	۰	۰

منبع: عملکرد اعتبارات آموزش عالی در قانون بودجه سال ۱۳۹۵. [۱۶]

به افزایش معنادار درآمدهای اختصاصی، درآمدهای وقفی و امور خیریه و درآمدهای بین‌المللی است. در ادامه برای شفاف‌تر شدن روند تغییرات بودجه‌ای دانشگاه‌ها، سهم تأمین مالی بخش دولتی و درآمدهای اختصاصی برخی از دانشگاه‌های کشور با تحلیل بودجه سال ۱۳۹۸، به تفکیک استخراج و محاسبه شده است.

براساس جدول فوق نسبت ناخالص وابستگی مستقیم دانشگاه‌های دولتی ایران به بودجه عمومی در سال ۱۳۹۵ برای نمونه حدود ۷۶ درصد است. این موضوع نشان می‌دهد که در مقایسه با دانشگاه‌های دولتی خارجی، وابستگی دانشگاه‌های دولتی در ایران به منابع دولتی بیشتر است. بنابراین برای تعدیل نسبت وابستگی به منابع عمومی، نیاز

جدول ۵. سهم تأمین مالی دولتی و درآمدهای برخی از دانشگاه‌های کشور در سال ۱۳۹۸

دانشگاه	کل هزینه‌ها	هزینه‌های عمومی		درآمد حاصل از فروش خدمات فرهنگی و آموزشی	درآمد حاصل از خدمات پژوهشی		درآمد حاصل از خدمات رفاهی دانشجویان
		مجموع هزینه‌های بخش عمومی	سهم بودجه دولتی ^۱ (درصد)		میزان درآمد	سهم از کل (اعتبارات) (درصد)	
دانشگاه تهران	۹,۸۵۰,۲۹۶	۶,۷۹۴,۵۴۶	۶۸/۹۷	۱,۴۵۳,۸۵۲	۵۸۴,۷۵۰	۶	۸۲۵,۳۲۸
دانشگاه صنعتی شریف	۳,۴۷۳,۹۷۶	۲,۰۶۹,۹۷۶	۵۹/۵۸	۲۰۱,۰۰۰	۱,۰۴۹,۰۰۰	۳۰	۶۵,۰۰۰
دانشگاه شهید بهشتی	۳,۹۵۶,۵۳۷	۲,۰۵۴,۵۸۶	۶۴/۲۵	۵۰۰,۰۰۰	۶۰۰,۰۰۰	۱۵	۲۳۴,۰۰۰
دانشگاه امیرکبیر	۲,۹۲۴,۵۸۶	۲,۰۵۴,۵۸۴	۷۰/۲۵	۴۰۰,۰۰۰	۲۲۰,۰۰۰	۸	۱۷۰,۰۰۰
دانشگاه تربیت مدرس	۳,۳۹۱,۹۷۷	۲,۸۹۴,۷۷۷	۸۵/۳۴	۲۵۹,۶۰۰	۱۸۱,۵۰۰	۵	۷۰,۷۰۰
دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی	۱,۴۳۴,۹۹۱	۱,۱۲۴,۹۹۱	۷۸/۳۹	۱۲۰,۰۰۰	۱۱۰,۰۰۰	۸	۵۴,۰۰۰
دانشگاه علامه طباطبائی	۲,۵۶۰,۰۲۵	۱,۵۷۰,۰۲۵	۶۱/۳۲	۳۵۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۴	۴۳۰,۰۰۰
دانشگاه خوارزمی	۲,۰۹۶,۲۷۱	۱,۶۹۶,۲۷۱	۸۰/۹۱	۲۲۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۵	۴۵,۰۰۰

منبع: گرای نژاد و کیخا، ۱۴۰۰: بررسی تطبیقی سازوکارهای تأمین و تخصیص منابع مالی در آموزش عالی. [۱۷]

اسکاندیناوی و حتی ژاپن است که نسبت به ایران از پایداری اقتصادی بسیار بهتری برخوردارند. در دیگر کشورها همچون آمریکا به‌طور میانگین کمتر از ۵۰ درصد است. در این میان نکته جالب توجه دیگر، سهم درآمدهای حاصل از خدمات پژوهشی است که انتظار می‌رود دانشگاه‌ها در آن عملکرد بهتری داشته باشند، این سهم تنها در دانشگاه صنعتی شریف با حدود ۳۰ درصد قابل ملاحظه است، اما در دیگر دانشگاه‌ها سهم اندکی دارد.

همان گونه که درصد سهم بودجه دولتی در جدول بالا نشان می‌دهد، دولت با میانگین حدود ۷۱ درصد سهم بالایی را در تأمین منابع مورد نیاز دانشگاه‌های پیشرو کشور دارد. دانشگاه تربیت مدرس با حدود ۸۵ درصد در میان دانشگاه‌های مورد مطالعه بالاترین سهم بودجه دولتی و دانشگاه صنعتی شریف با حدود ۶۰ درصد کمترین سهم را دارد. مقایسه این اعداد و ارقام با دانشگاه‌های دیگر کشورها نشان از آن دارد که سهم دولت در تأمین منابع مورد نیاز دانشگاه‌ها بیشتر نزدیک به کشورهای

۱. تخمین سهم بودجه دولتی از طریق مجموع سهم هزینه عمومی ضربدر ۱۰۰ تقسیم بر جمع کل هزینه‌ها محاسبه می‌شود.

۴-۲. الگوی تعیین متوسط هزینه تمام‌شده استاندارد

دانشجویی و توزیع اعتبارات عمومی دانشگاه‌ها

شواهد نشان می‌دهد که در حال حاضر سازمان برنامه‌بودجه از مدلی با عنوان «تعیین هزینه استاندارد دانشجویی و توزیع اعتبارات عمومی به دانشگاه‌ها» برای تخصیص منابع عمومی به دانشگاه‌ها استفاده می‌کند که در ادامه فرایند اجرای مدل شرح داده شده است.

۱- تعیین هزینه سرانه دانشجو (مقطع - گروه آموزشی)

در این مدل براساس شاخص‌ها و فروض، هزینه سرانه استاندارد در همه بخش‌ها و حوزه‌ها به دست می‌آید. در این سرانه استاندارد که در آن وضع موجود دانشگاه‌ها نیز مدنظر قرار می‌گیرد، برای هر گروه و مقطع عددی به عنوان سرانه استاندارد استخراج می‌شود و در گام‌های دیگر مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. بنابراین گروه‌ها و مقاطع مختلف آموزشی هزینه سرانه متفاوتی در این مدل دارند. در تعیین این استاندارد به اندازه، کیفیت و اثرگذاری دانشگاه در موضوعات مختلف توجه می‌شود و رویکرد آن حداقل رشد ۴ درصدی برای همه دانشگاه‌ها نسبت به سال قبل است. این درصد رشد نیز هر ساله با توجه به تورم و سقف بودجه عمومی مصوب شده در برنامه برای دانشگاه‌ها تغییر می‌کند.

۲- گام نخست: تعیین فروض فعالیت‌های آموزشی

۱. تعداد و نوع واحدهای دوره تحصیلی به تفکیک مقطع و گروه آموزشی.
۲. متوسط تعداد واحد آموزشی قابل ارائه عضو هیئت علمی در هر ترم.
۳. سنوات تحصیلی به سال و متوسط ظرفیت کلاس در هر مقطع - گروه آموزشی.
۴. متوسط هزینه سالیانه هیئت علمی، غیر هیئت علمی و هزینه یک واحد حق التدریس آموزشی (پژوهشی).
۵. ضریب نسبت غیر هیئت علمی (کارکنان) به هیئت علمی.
۶. محاسبه تعداد کفایت هیئت علمی در هر مقطع - گروه آموزشی براساس فروض قبلی.

۳- گام دوم: ترسیم و شبیه‌سازی دانشگاهی با رعایت شاخص‌های

مطلوب در مراکز اصلی هزینه

هدف از شبیه‌سازی، تعیین یک مبنا و پایه برای تعیین هزینه سرانه در مدل توزیع اعتبار.

هزینه سرانه تربیت دانشجو

$$SPS_i = E_{ij} + A_{ij} + S_{ij} + R_{ij}$$

$$SPS_i = E_{ij} + A_{ij} + S_{ij} + R_{ij}$$

$$E_{ij} E_{ij} = \text{هزینه‌های سرانه پرسنلی (آموزشی).}$$

$$A_{ij} A_{ij} = \text{هزینه‌های سرانه پشتیبانی.}$$

$$S_{ij} S_{ij} = \text{هزینه‌های سرانه خدمات دانشجویی - فرهنگی.}$$

$$R_{ij} R_{ij} = \text{هزینه‌های سرانه فعالیت‌های پژوهشی و فناوری.}$$

۴-۳. گام سوم: تقسیم‌بندی سرانه بر حسب گروه‌های آموزشی

(علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی، علوم انسانی، کشاورزی و هنر) و مقاطع (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری).

۴-۴. گام چهارم: محاسبه هزینه سرانه آموزشی

$$E_1 = \text{هزینه سرانه هیئت علمی.}$$

$$E_2 = \text{هزینه سرانه غیر هیئت علمی.}$$

$$E_3 = \text{هزینه سرانه حق التدریس آموزشی.}$$

$$E_4 = \text{هزینه سرانه حق مدیریت.}$$

۴-۵. گام پنجم: محاسبه هزینه خدمات پشتیبانی عمومی

$$A_1 = \text{هزینه سرانه نگهداشت فضای آموزشی.}$$

$$A_2 = \text{هزینه سرانه نگهداشت فضای کمک آموزشی.}$$

$$A_3 = \text{هزینه سرانه نگهداشت فضای روباز.}$$

$$A_4 = \text{هزینه سرانه مواد مصرفی و ملزومات آموزشی.}$$

$$A_5 = \text{هزینه سرانه خدمات حمل و نقل سبک و موتوری.}$$

$$A_6 = \text{هزینه سرانه انرژی (بدون خوابگاه).}$$

$$A_7 = \text{هزینه سرانه تأسیسات و نگهداری (بدون خوابگاه).}$$

۴-۶. گام ششم: محاسبه سرانه خدمات دانشجویی - فرهنگی

$$S_1 = \text{هزینه سرانه نگهداشت فضای رفاهی.}$$

$$S_2 = \text{هزینه سرانه یارانه غذا.}$$

$$S_3 = \text{هزینه سرانه ایاب و ذهاب دانشجویی.}$$

$$S_4 = \text{هزینه سرانه فعالیت‌های ورزشی.}$$

$$S_5 = \text{هزینه سرانه بهداشت و درمان.}$$

$$S_6 = \text{هزینه سرانه فعالیت‌های فرهنگی.}$$

$$S_7 = \text{هزینه سرانه انرژی خوابگاه.}$$

$$S_8 = \text{هزینه سرانه نگهداشت خوابگاه‌ها.}$$

۴-۷. گام هفتم: محاسبه سرانه فعالیت‌های پژوهشی و فناوری

$$R_1 = \text{هزینه سرانه فرصت مطالعاتی اعضای هیئت علمی.}$$

$$R_2 = \text{هزینه سرانه اعتبار پژوهانه پژوهشی اعضای هیئت علمی.}$$

$$R_3 = \text{هزینه سرانه بانک‌های اطلاعاتی، خرید نشریات علمی و کتب ارزی.}$$

$$R_4 = \text{هزینه سرانه حق تحقیق راهنمایی، مشاوره و داوری پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری.}$$

$$R_5 = \text{هزینه سرانه خرید مواد مصرفی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری.}$$

$$R_6 = \text{هزینه سرانه کمک به سمینارها، همایش‌ها و امور پژوهشی.}$$

$$R_7 = \text{هزینه سرانه فناوری اطلاعات.}$$

$$R_8 = \text{هزینه سرانه پشتیبانی فناوری.}$$

در ادامه نمونه‌ای از محاسبات انجام شده به قیمت‌های سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ آورده شده است.

۱. شامل بررسی بودجه‌های سنواتی، اسناد مرتبط با لایحه بودجه و گفتگو با خبرگان علمی و اجرایی مرتبط.

جدول ۶. هزینه سرانه استاندارد دانشجوی به قیمت‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در مقطع کارشناسی (میلیون ریال)

Total	R	S	A	E	گروه‌های آموزشی
جمع	هزینه‌های سرانه فعالیت‌های پژوهشی و فناوری	هزینه‌های سرانه خدمات دانشجویی-فرهنگی	هزینه‌های سرانه پشتیبانی عمومی	هزینه‌های سرانه آموزشی	
۱۲۳,۱۳	۱۱,۸۸	۲۴,۲۸	۱۶,۸۷	۵۶,۹۱	علوم پایه
۱۳۷,۳۷	۱۲,۲۷	۲۴,۲۸	۲۰,۷۳	۶۵,۳۸	فنی و مهندسی
۱۵۷,۸۷	۱۱,۴۳	۲۴,۲۸	۲۹,۰۷	۷۶,۱۷	کشاورزی
۱۱۲,۷۵	۱۱,۵۶	۲۴,۲۸	۱۱,۶۸	۵۳,۱۵	علوم انسانی
۱۶۹,۳۳	۱۱,۴۳	۲۴,۲۸	۲۵,۸	۸۹,۶۷	هنر

قانونی تعیین می‌شود. برای نمونه می‌توان به دروس عملی دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر در رشته کشتی‌سازی و یا گذراندن واحدهای اجباری برای رشته‌های دانشگاه تربیت مدرس که در حقیقت طول مقطع آموزشی را افزایش می‌دهد؛ اشاره کرد. دیگر دانشگاه‌ها همچون دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) دارای شرایط ویژه هستند. از آنجا که اعمال مدل بدون در نظر گرفتن ضریب تعدیل دانشگاه‌های خاص می‌تواند به بودجه برخی دانشگاه‌ها آسیب بزند، این ضریب برای انعطاف بیشتر مدل با شرایط خاص در نظر گرفته شده است.

■ هزینه متوسط بالا در دانشگاه‌های کوچک.

■ ضریب تعدیل نسبت دانشجوی به هیئت علمی (به صورت خطی بین ۲ تا ۳۵ درصد).

■ دانشگاه‌های کوچک (بین ۲۰ تا ۱۰۰ نفر هیئت علمی).

■ موقعیت منطقه‌ای و تفاوت هزینه‌های منطقه‌ای.

■ تفاوت احکام هیئت علمی هر استان به استان پایه (تهران) (بین ۱ تا ۱,۳۲۷).

■ کیفیت اعضای هیئت علمی و توجه به تفاوت کیفیت آموزشی -

$$\frac{(1.1 * \text{دانشیار}) + (1.25 * \text{استاد}) + (0.65 * \text{مربی آموزشیار}) + (0.85 * \text{مربی}) + (1 * \text{استادیار})}{(1.1 * \text{دانشیار}) + (1.25 * \text{استاد}) + (0.65 * \text{مربی آموزشیار}) + (0.85 * \text{مربی}) + (1 * \text{استادیار})}$$

مجموع اعضای هیئت علمی دانشگاه

■ ضریب تعدیل معادل ۰,۹ تا ۱,۱۱.

■ تأمین درصدی از هزینه‌های دانشجویان شبانه و افزودن آن به سرجمع اعتبارات محاسبه شده.

■ هر دو دانشجوی شبانه معادل یک دانشجوی روزانه.^۲

۲. مدلی برای تبدیل مدل هزینه سرانه به مدل توزیع اعتبار سرانه در بین دانشگاه‌های کشور

در این بخش از مدل، سرانه استاندارد دی که پیش‌تر استخراج شد، در کنار عملکرد وضع موجود دانشگاه‌ها قرار گرفته و براساس برخی شاخص‌ها تعدیل می‌شوند. به طوری که استاندارد جهانی برای نسبت استاد به دانشجو ۱۸ است، در حالی که این نسبت در برخی دانشگاه‌ها به ۶۰ نیز می‌رسد. بنابراین، در هر سال نسبت استاد به دانشجو در دانشگاه‌ها محاسبه، میانگین و استاندارد دی برای آن استخراج می‌شود. در تعیین این استاندارد به شاخص‌ها و معیارهایی چون برنامه درسی، شمار دانشجویان (با در نظر گرفتن سنوات مقطع)،^۱ شمار اعضای هیئت علمی رسمی و حق التدریسی، سقف بودجه پیش‌بینی شده در برنامه، در نظر گرفته می‌شود. در زیر نمونه‌ای از فرایند محاسبه آورده شده است. همان گونه که در نمایه زیر نیز نشان داده شده است نسبت استاد به دانشجو و میزان انحراف از این شاخص درصد مبنایی برای توزیع اعتبارات عمومی در بین دانشگاه‌های کشور است.

۳. زیر مدلی برای باز توزیع اعتبار در قالب مدل و سقف تعیین شده اعتبار آموزش عالی

در این بخش برخی ویژگی‌های دانشگاه‌ها که در مدل‌های توزیع پایه ملاحظه نشده‌اند شناسایی و به صورت ضریب تعدیل در اعتبار پیشنهادی مورد محاسبه قرار می‌گیرد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

■ دانشگاه‌های دارای مأموریت‌های اختصاصی

در این گام ضریبی به عنوان ضریب تعدیل دانشگاه‌های خاص (بین ۵ تا ۱۰ درصد) برای دانشگاه‌ها با مأموریت‌ها و شرایط ویژه در نظر گرفته می‌شود. این ضریب براساس تعامل با دانشگاه و براساس مستندات

۱. منظور از سنوات مقطع تحصیلی، ۴ سال برای کارشناسی، ۲ سال برای کارشناسی ارشد و ۵ سال برای دکتری است.
۲. هدف از پذیرش دانشجویان شبانه استقلال بیشتر مالی دانشگاه‌ها و کاهش وابستگی به اعتبارات دولتی است، اما گاه مجوز لازم برای افزایش شهریه متناسب با تورم هزینه‌های سرانه دانشجویی به دانشگاه‌ها داده نمی‌شود. از این رو، این سیاست نه تنها به استقلال مالی دانشگاه کمکی نمی‌کند، بلکه بار مالی دانشگاه‌ها را نیز برای تأمین بخشی از هزینه‌های این دانشجویان افزایش می‌دهد.

مزیت‌های الگو

از جمله مزیت‌های این الگو می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کاهش چانی‌زنی،
- افزایش شفافیت در بودجه دانشگاه‌ها،
- برقراری سطحی از عدالت توزیعی،
- توجه به مدیریت هزینه‌ها با شفاف شدن فرایند تعیین بودجه

دانشگاه‌ها،

- تأکید بر بودجه‌ریزی عملیاتی در مراکز آموزش عالی.
هریک از این عوامل و عناصر همان گونه که از مفاهیم آن مشخص است، به دنبال آن است تا ضمن تأمین هزینه‌های دانشگاه‌ها، توجه آنها را به بهبود عملکردشان جلب کرده و زمینه را برای حرکت دانشگاه‌ها برای جذب منابع مالی غیردولتی فراهم آورد.

۵. ایرادهای الگوی تخصیص منابع مالی به دانشگاه‌ها

در حال حاضر، آنچه از سیاست‌های دولت می‌توان دریافت آن است که تلاش دارد در کنار تخصیص منابع مالی - اندک که کفاف هزینه‌های دانشگاه را نمی‌دهد - دانشگاه‌ها را به سوی رسیدن به خود اتکایی در زمینه مالی نیز هدایت کند؛ و در این راستا نیز بسترهای حقوقی لازم برای فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد از منابع مختلف را برای دانشگاه تا حدودی فراهم آورده است. حال پرسش این است که چه موانع و چالش‌هایی پیش روی دولت در اجرای الگو تخصیص منابع مالی که پیشتر بدان اشاره شد، وجود دارد و از سوی دیگر دانشگاه‌ها چه چالش‌ها و موانعی را برای جذب منابع مالی از محل منابع غیرعمومی تجربه می‌کنند؟ ماحصل پاسخ به این دو پرسش کمک می‌کند تا راهکاری مناسب و بهینه برای تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها ارائه شود. برپایه یافته‌های احصا شده، ایرادهای الگوی تخصیص منابع مالی با فرض اجرای کامل، براساس اهمیت اولویت‌بندی شده که در ادامه آمده است:

ناظر به ارزیابی و اعتبارسنجی علمی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و تحقیقات به صورت مستقیم یا از طریق حمایت انجمن‌های مستقل علمی، اقدام ملی (۹) نقشه جامع علمی کشور با موضوع ایجاد نهاد ملی مدیریت ارزیابی و اعتبارسنجی و تضمین کیفیت در نظام آموزش عالی تحت نظر شورای عالی انقلاب فرهنگ) و انتهای ماده (۶۶) قانون برنامه ششم توسعه در خصوص الزام وزارتین به هدفگذاری و تعیین شاخص برای ارتقای کیفیت آموزش عالی و پژوهش و فناوری اشاره کرد. از این رو، راه‌اندازی چنین نهادی از یکسو به تحقق اهداف اسناد بالادستی کمک می‌کند و از سوی دیگر، ضمن ارتقای کیفیت آموزش عالی می‌تواند در فاز توسعه به مکانیزم انگیزشی برای رقابت میان نهادهای آموزش عالی بدل شود.

۳- نبود مکانیزم‌های انگیزشی لازم برای مسئله‌محور شدن آموزش‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی

از دیگر چالش‌هایی که الگوی موجود تخصیص اعتبارات دانشگاه‌ها درگیر آن است، عدم قابلیت و توانایی آن در سوق دادن آموزش‌ها و پژوهش‌های دانشگاهی به سمت مسئله‌محوری است. ابزارهای مالی از ملموس‌ترین ابزار در جهت‌دهی به هر فعالیتی می‌تواند قلمداد شود، اما در نظام تخصیص اعتبارات دانشگاه‌های ایران کمتر از آن استفاده می‌شود.

۴- کم‌رنگ بودن تصمیم‌گیری مبتنی بر داده (به روز و منسجم) در قلمرو آموزش عالی (میزان اشتغال دانش‌آموختگان، میزان قبولی در سطوح بالاتر آموزشی، رتبه کیفی نهادهای آموزش عالی)

تصمیم‌گیری بدون توجه جدی به داده‌ها و اطلاعات نمی‌تواند تصمیم کاملاً درست و همه‌جانبه‌ای باشد. از این منظر الگوی فعلی تخصیص اعتبارات دانشگاه‌ها که بدون توجه به آمار و داده‌هایی همچون میزان اشتغال دانش‌آموختگان، مهاجرت (به داخل یا خارج از کشور فارغ‌التحصیلان)، میزان قبولی در سطوح بالاتر آموزشی، عملکرد و رتبه کیفی دانشگاه‌ها و ... تنظیم شده است نمی‌تواند دانشگاه‌ها را به‌طور کلی نظام آموزش عالی را در راستای تحقق اهداف مورد انتظار هدایت کند.

۱- نبود ضریبی به عنوان مشوق برای ایجاد رقابت بین دانشگاه‌ها

در الگوی موجود تخصیص اعتبارات دانشگاه‌ها نمی‌توان توجه ویژه و خاصی به عملکرد محوری مشاهده کرد. به بیان دیگر تخصیص اعتبارات به دانشگاه‌ها به شیوه‌ای تقریباً ثابت بوده و تفاوتی میان دانشگاه‌هایی که در راستای مأموریت‌های مشخص عملکرد قابل قبول داشته با دانشگاه یا دانشگاه‌هایی که کمترین فعالیت را در راستای تحقق اهداف و برنامه‌ها داشته نمی‌توان مشاهده کرد و این مهم منجر به بی‌انگیزگی مدیران و به‌طور کلی جامعه دانشگاهی شده است.

۲- نبود امکان پیوند شاخص‌های کیفی به شاخص‌های کمی مورد محاسبه در این الگو و تحت الشعاع قرار گرفتن تضمین و بهبود کیفیت آموزشی

یکی از چالش‌های اصلی الگو نبود پیوندی مناسب میان کمیّت و کیفیت عملکرد دانشگاه‌هاست. حال آنکه در اسناد بالادستی بسیاری ارزیابی و اعتبارسنجی و تضمین کیفیت نهادهای آموزش عالی مورد توجه بوده و بر آن تأکید شده است. برای نمونه می‌توان به جزء «۱۰» بند «ب» ماده (۲) قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۵ توجه اندک به ظرفیت‌های منطقه‌ای و مأموریت‌های

دانشگاه‌ها

با توجه به گستردگی سرزمینی ایران و وجود دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در نقاط مختلف کشور و وجود ظرفیت‌های متنوع منطقه‌ای انتظار می‌رود تصمیمات اتخاذ شده در حوزه‌های مختلف با در نظر گرفتن ظرفیت‌های منطقه‌ای و مسائل و اولویت‌های آنچه در تعیین مأموریت‌های دانشگاه‌ها و چه تخصیص اعتبارات باشد، اما همان گونه دقت در الگوی موجود نشان می‌دهد، این مهم در تخصیص اعتبارات دانشگاه‌ها جایگاهی نداشته و توجهی بدان نشده است.

۶ کم توجهی به اسناد و سیاست‌های بالادستی در تخصیص

منابع همچون اولویت‌های علم و فناوری نقشه جامع علمی

کشور

در الگوی کنونی به رشته‌های اولویت‌دار و نیازهای منطقه‌ای و استانی توجه نشده است. یکی از ظرفیت‌های اجرایی سازی اسناد بالادستی (مانند نقشه جامع علمی کشور) در مرحله تخصیص اعتبارات دانشگاهی است. با توجه به راهبردهای نقشه جامع علمی کشور و تعیین اولویت‌های علم و فناوری در سطوح و رشته‌های مختلف این قابلیت وجود دارد تا با تمرکز بر این اولویت‌ها یا اولویت‌هایی که در زمان حاضر مهم هستند، اعتبارات دانشگاه‌ها را بر آن اساس اصلاح یا بازبینی کرد، اما الگوی موجود تخصیص اعتبارات چنین امکانی را فراهم نمی‌نماید و بر این اساس اولویت‌ها همچنان بر زمین خواهند ماند.

۷ عدم حرکت به سمت بودجه‌ریزی عملکردمحور (عملیاتی)

در سطح کلان نظام آموزش عالی و درون دانشگاهی

علی‌رغم اینکه در مواد مختلف قوانین برنامه توسعه مانند ماده (۱۳۸)^۱ و بند «ه»- ماده (۱۵۵) قانون برنامه چهارم توسعه و مواد (۲۰)، (۲۱۹)^۲ قانون برنامه پنجم توسعه و بند «پ» ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه بر بودجه‌ریزی عملیاتی دستگاه‌های مختلف تأکید داشته‌اند، چنین امری تاکنون در نظام آموزش عالی تحقق نیافته است. در ماده (۲۰) قانون برنامه پنجم توسعه دولت به‌صراحت مکلف شده است هزینه سرانه تربیت نیروی انسانی متخصص مورد تقاضای کشور را در چارچوب بودجه‌ریزی عملیاتی برای هر دانشگاه و مؤسسه آموزشی، تحقیقاتی و فناوری دولتی محاسبه و به‌طور سالیانه تأمین کند. براساس این برنامه، دانشگاه‌ها

نه تنها وظیفه دارند سیستم مالی خود را از برنامه‌ای به عملیاتی تغییر دهند، بلکه ملزم به تهیه بودجه عملیاتی به‌منظور دستیابی به بهای تمام شده فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و تعیین هزینه سرانه دانشجوی برای دریافت بودجه دولتی هستند. با وجود تأکید برنامه چهارم توسعه به بودجه‌ریزی عملیاتی و الزام بر استقرار این نظام مالی در دانشگاه‌ها در برنامه پنجم توسعه، اما همچنان توفیقی در این زمینه حاصل نشده است. حال آنکه اجرا و استقرار بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد نه تنها می‌تواند بهبود عملکرد و کارایی تخصیص منابع را به‌همراه داشته باشد؛ بلکه ارتقای کیفیت و رقابت را میان نهادهای آموزش عالی رقم بزند. با توجه به مزایای قابل توجه بودجه‌ریزی عملکرد محور که آثار آن نیز در عملکرد دانشگاه‌ها و نظام‌های آموزش عالی معتبر دنیا مشخص است، الگوی موجود نه تنها زمینه انجام این مهم را در کشور تسهیل نمی‌کند، بلکه با عدم حرکت در این مسیر علاوه بر معطل ماندن اجرای احکام قانونی مرتبط، بهره‌وری دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به‌عنوان پیشران توسعه کشور، همچنان با علامت سشال‌های جدی مواجه است. علاوه بر این بودجه‌ریزی عملکردمحور در درون دانشگاه‌ها خود می‌توانست اقدامی مهم در راستای ساماندهی، پویاسازی و تسهیل نظام تأمین مالی دانشگاه‌ها و همچنین شفاف‌سازی نظام گزارش‌دهی دانشگاه‌ها باشد که همچنان محقق نشده است، البته یکی از مشکلات اصلی در تحقق بودجه‌ریزی عملکرد محور نبود سازمان و یا واحدی تخصصی در وزارت علوم برای راهبری و نظارت بر تحقق این نوع از بودجه‌ریزی در دانشگاه‌هاست.

ایرادهای که در بالا به آنها پرداخته شد مرتبط با خلأهای الگویی بود که در بخش قبل شرح داده شد، اما چالش‌های مهم‌تری در فرایند تخصیص اعتبارات دولتی به دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزشی وجود دارد که در ادامه آمده است:

از دیگر چالش‌های الگوی موجود تخصیص اعتبارات دانشگاه‌ها گذشته‌نگر بودن آن است. هزینه‌های محاسبه شده برای تعیین میزان سرانه استاندارد در الگوی موجود براساس قیمت‌های تعیین شده سال قبل بوده است. یعنی اینکه به اعتبارات یک سال همه دانشگاه‌ها درصدی اضافه می‌شود و این رشد تحت سایر عوامل مانند قدرت چانه‌زنی و شرایط برخی دانشگاه بیشتر می‌شود که این موضوع باعث چانه‌زنی بیشتر برخی دانشگاه‌ها و احساس بی‌عدالتی در برخی دیگر می‌شود. همچنین، برنامه‌های آتی دانشگاه جایی در الگو نداشته و این امر ماهیت

۱. ماده (۱۳۸) - سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط به‌منظور اصلاح نظام بودجه‌ریزی از روش موجود به روش هدفمند و عملیاتی و به‌صورت قیمت تمام شده خدمات، اقدامات ذیل را حداکثر تا پایان سال دوم برنامه چهارم انجام دهد. (رجوع به متن قانون).

۲. ه) کلیه دستگاه‌های اجرایی ملی کشور موظفند برنامه اجرایی و عملیاتی خود را در قالب اسناد ملی توسعه در چارچوب ضوابط فوق با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و پس از تصویب در هیئت وزیران به مرحله اجرا درآورند. بودجه سنواتی این دستگاه‌ها براساس اسناد فوق تنظیم می‌شود.

۳. ماده (۲۰) -

الف) به‌منظور زمینه‌سازی برای تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، دانش‌مدار، خلاق و کارآفرین، منطبق با نیازهای نهضت نرم‌افزاری، با هدف توسعه کمی و کیفی دولت مجاز است: ۱. هزینه سرانه تربیت نیروی انسانی متخصص مورد تقاضای کشور براساس هزینه‌های آموزشی و هزینه‌های خدمات پژوهشی، تحقیقاتی و فناوری مورد حمایت را در چارچوب بودجه‌ریزی عملیاتی برای هر دانشگاه و مؤسسه آموزشی، تحقیقاتی و فناوری دولتی محاسبه و به‌طور سالانه تأمین کند.

۴ ماده (۲۱۹) - به‌منظور استقرار نظام بودجه‌ریزی عملیاتی، دولت موظف است تا پایان سال دوم برنامه به‌تدریج زمینه‌های لازم را برای تهیه بودجه به روش عملیاتی در کلیه دستگاه‌های اجرایی فراهم آورد. ...

- نبود نظام مدیریت عملکرد کارا و مؤثر برای تصمیم‌گیری در مؤسسات آموزش عالی.
- نبود الگوی بهینه توزیع و تخصیص اعتبارات در درون اکثر دانشگاه‌ها (بین دانشکده‌ها و مؤسسات زیرمجموعه) و مؤسسات آموزش عالی مبتنی بر الگو در نظر گیرنده کارایی و اثربخشی فعالیت‌ها.
- عدم امکان واگذاری سهام دولتی در بورس و وجود مشکلات حقوقی از جمله نیاز به واسطه برای معامله.
- مدیریت ضعیف هزینه‌ها در دانشگاه‌ها.
- نبود توان و عزم لازم برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های منطقه‌ای.
- جذب اندک منابع مالی بین‌المللی به سبب تأثیر شرایط اقتصادی بر روابط علمی و بین‌المللی نهادهای علمی.
- عدم بهره‌مندی از ظرفیت واقعی و خیرین در نظام آموزش عالی.

دانشگاه به عنوان نهادی پیشران را با چالش‌های عمده مواجه می‌کند، البته برای تحقق بودجه‌ریزی عملیاتی و اهداف آن لازم است به‌سوی دیگر پیوستار یعنی دانشگاه‌ها نیز توجه کرد. دانشگاه‌ها باید بتوانند سایر منابع مالی را جذب کنند که البته در این مسیر با چالش‌هایی مواجه هستند. برخی چالش‌های پیش‌روی دانشگاه‌ها در جذب منابع مالی غیردولتی احصا شده است که عبارتند از:

- موانع موجود و محیطی برای استقلال در تصمیم‌گیری در دانشگاه‌ها (تمرکز بر برخی تصمیمات محیط سیاسی و انتصابات، عدم ثبات مدیریتی، نقش و اثرگذاری اندک هیئت امنا).
- ضعف در ارتباط دانشگاه با صنعت.
- مقاله محوری آیین‌نامه‌های ارتقا اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها.
- عدم اِبتنای تحقیقات دانشگاهی به مسائل واقعی و ملموس.

نتیجه‌گیری



تحقیق و توسعه به‌ویژه در دانشگاه‌هایی می‌شود که درآمد اختصاصی اندکی دارند.

– عدم حرکت جدی به سمت بودجه‌ریزی عملکرد محور علی‌رغم تأکید قوانین

دانشگاه‌ها نه تنها وظیفه دارند سیستم مالی خود را از برنامه‌ای به عملیاتی تغییر دهند، بلکه در اجرای ماده (۱۳۸) قانون برنامه چهارم، ماده (۲۰) قانون برنامه پنجم و بند «پ» ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه ملزم به تهیه بودجه عملیاتی به منظور دستیابی به بهای تمام شده فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و تعیین هزینه سرانه دانشجوی برای دریافت بودجه دولتی هستند. اما با وجود تأکید این قوانین به بودجه‌ریزی عملیاتی، همچنان توفیقی در این زمینه حاصل نشده است.

– لزوم حرکت به سمت الگوی بهینه در تخصیص اعتبارات به دانشگاه‌ها

بنابراین با آنکه الگوی حاضر، بسیاری از فاکتورهای مهم در نظام آموزش عالی را در تخصیص اعتبارات عمومی شامل می‌شود؛ اما همچنان این تخصیص بهینه نیست و با تکیه بر اسناد بالادستی و خط‌مشی‌های مورد توجه در این اسناد در کنار دیگر ظرفیت‌های و پتانسیل‌ها می‌توان به الگوی بهینه‌تر در این حوزه دست یافت. در ادامه با توجه به چالش‌های احصا شده در الگوی موجود پیشنهادهایی برای رسیدن به وضعیت مطلوب‌تر ارائه شده است.

نگاهی به وضعیت بودجه دانشگاه‌ها در ایران نشان می‌دهد که دانشگاه‌ها به میزان زیادی وابسته به اعتبارات عمومی هستند که با توجه به محدود بودن منابع دولت ادامه این وضعیت می‌تواند دانشگاه را با چالش جدی برای تأمین هزینه‌های خود به‌ویژه در حوزه آموزش و پژوهش روبرو کند. الگوی تخصیص فعلی اعتبارات عمومی به دانشگاه‌ها توانایی ایجاد انگیزه ارتقا کیفیت آموزشی و رقابت را ندارد. بنابراین، لازم است شیوه تخصیص اعتبارات به دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزش عالی به گونه‌ای متحول شود که ضمن تقویت جایگاه مالی دانشگاه‌ها، بسترهای تشویقی لازم برای درآمدزایی دانشگاه‌ها و مشارکت بخش خصوصی در تأمین بخشی از منابع مورد نیاز نهادهای دانشگاهی را فراهم آورد. در ادامه برخی از مهم‌ترین نتایج گزارش حاضر به صورت مختصر ارائه می‌شود:

– سهم بالای بخش دولتی و سهم اندک بخش غیردولتی (بخش خصوصی و شهریه) در تأمین منابع مالی دانشگاه‌های دولتی

همچنان حدود ۷۶ درصد از منابع مالی دانشگاه‌های دولتی کشور از طریق منابع عمومی دولت تأمین می‌شود. این مهم به معنای لزوم اتخاذ سیاست‌هایی جهت مشارکت بیشتر بخش خصوصی و خانوارها (از طریق شهریه/وام‌های تحصیلی) در تأمین منابع مالی این نهادهاست.

– سهم بالای اعتبارات هزینه‌ای (حقوق و دستمزد پرسنل)
شواهد نشان می‌دهد بیش از ۸۵ درصد از اعتبارات هزینه‌ای دانشگاه‌ها صرف حقوق و دستمزد می‌شود و این مسئله سبب ضعیف شدن بخش

راهکارهای پیشنهادی



متفاوتی را برای دانشگاه‌ها با توجه به منطقه جغرافیایی تعریف کرد.

۲ حمایت از ایجاد نهاد ملی تضمین کیفیت آموزش عالی و اعتباربخشی مستقل، خارج از وزارتین علوم و بهداشت به منظور جلوگیری از پدیده اتحاد ناظر و ارزیابی کیفی دانشگاه‌ها بر مبنای آن نتایج این نهاد.

۳ جهت‌دهی منابع مالی مقرر در بودجه سنواتی، کمک‌ها و هدایای اشخاص حقیقی و حقوقی و منابع بازگشتی اعطای تسهیلات به صندوق شورای عالی عتف برای حمایت از پژوهش‌های مسئله‌محور (شایان ذکر است که حمایت‌های دولت از علوم پایه و علوم انسانی راهبردی و بلندمدت است).

۴ بورسیه دانشجویان توسط دستگاه‌های اجرایی و بخش‌های صنعتی و خصوصی به نحوی که این مجموعه‌ها بتوانند نیازمندی‌های خود به نیروی انسانی متخصص در رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف را از طریق بورسیه‌نخبگان در دانشگاه‌های معتبر و با کیفیت داخلی تأمین کنند. در این فرایند رشته‌ها و مقاطع تحصیلی مورد نیاز نهادهای فوق با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین خواهد شد.

مسائل، چالش‌ها و فرصت‌های دانشگاه‌ها در زمینه مالی از تنوع و پیچیدگی زیادی برخوردار است. وجود اسناد بالادستی متنوع که گاه از انسجام لازم نیز برخوردار نیستند در کنار تنوع فرهنگی، منطقه‌ای، مأموریت‌ها و حتی نوع دانشگاه‌ها هر یک عاملی برای وجود تفاوت میان دانشگاه‌ها می‌شوند که ارائه الگویی جامع برای تخصیص اعتبار را پیچیده می‌کند. با این حال، به‌طور کلی در زمینه تأمین منابع از محل غیردولتی و تخصیص بهینه‌تر منابع مالی از سوی دولت با تأکید بر سه‌گانه دولت، بازار و دانشگاه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ حمایت از استقرار پایگاه جامع رصد اشتغال دانش‌آموختگان با هدف برنامه‌ریزی داده‌محور و استخراج ضربی به عنوان ضریب بهره‌وری در تعیین اعتبارات دانشگاه‌ها «ایجاد بانک یا نظام جامع اطلاعات بازار کار» و «آموزش نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآمد متناسب با نیاز بازار کار» از جمله مواردی هستند که در سیاست‌های کلی اشتغال مورد توجه قرار گرفته‌اند. این مهم در کنار اهمیت امکان دسترسی به داده‌های به روز در حوزه دانش‌آموختگان و بازار کار می‌تواند به بهره‌ور شدن دانشگاه‌ها و سازگاری میان نیاز بازار و برون‌دادهای دانشگاهی کمک کند. بنابراین می‌تواند به عنوان ضریبی برای نشان دادن بهره‌وری دانشگاه‌ها مدنظر قرار گیرد، البته در تعیین ضریب باید به مسائلی مانند میزان شغل موجود در استان یا منطقه، میزان نرخ بیکاری در استان یا منطقه توجه کرد و ضریب‌های

منابع و مآخذ



- [1] Soyler, I. (2009). The financing of higher education: A normative approach in the light of new expectations and goals. Sayıştay Dergisi, 72, 3-25.
- [2] United Nations Educational, Scientific, and Cultural Organization (UNESCO) Institute for Statistics, 2016.
- [3] اقتصاد آموزش و جایگاه آن در نظام آموزش عالی ایران. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۱-۲۲، ۱۷۳-۲۱۶.
- [4] سازوکارهای تأمین و تخصیص منابع در آموزش عالی، فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات منابع انسانی، ۳(۱۰)، صص ۹۱-۱۲۰.
- [5] طراحی الگوی تخصیص منابع آموزش عالی در ایران، فصلنامه اقتصاد مالی، ۱۱(۳۹)، صص ۹۶۱-۷۴۱.
- [6] چارچوبی برای خودگردانی مالی در دانشگاه‌ها؛ روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، ۹۹، صص ۱۲۵-۱۵۲.
- [7] گزارش آماری سازمان برنامه‌وبودجه، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ۱۴۰۰.
- [8] گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵، جلد دوم: حوزه‌بخشی (۱)، تهران، انتشارات سازمان برنامه‌وبودجه.
- [9] گاه و بی‌گاه دانشگاه در ایران؛ مباحثی نو و انتقادی در باب دانشگاه‌پژوهی، مطالعات علم و آموزش عالی. تهران، نشر آگاه.
- [10] Praneviciene, B., & Puraite, A. (2010). The Financing Method of Higher Education System. Jurisprudencija, 356-335.
- [11] Clark, B. R. (2004). Sustaining Change in Universities: Continuities in Case Studies and Concepts. Tertiary Education and Management, 9(2), 99-116.

- [12] Taylor, A. (2017). Perspectives on the University as a Business: The Corporate Management Structure, Neoliberalism and Higher Education. *Journal for Critical Education Policy Studies*, 15(1), p108-135.
- [13] Marginson, s. (2013). The Impossibility of Capitalist Markets in Higher Education. *Journal of Higher Education Policy*, 28(3), 353-370.
- [۱۴] گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵، جلد دوم: حوزه بخشی (۱)، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۶.
- [۱۵] سازمان برنامه و بودجه. گزارش عملکرد قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵، جلد دوم: حوزه بخشی (۱)، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه. ۱۳۹۶.
- [۱۶] عملکرد اعتبارات آموزش عالی در قانون بودجه سال ۱۳۹۵. سازمان برنامه و بودجه ۱۳۹۶.
- [۱۷] گرایبی نژاد، غلامرضا، کیخا، احمد. بررسی تطبیقی سازوکارهای تأمین و تخصیص منابع مالی در آموزش عالی. رهیافت،
doi:10.22034/rahyaft2022.10532.1164.126-105:(82)31,1400



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ (۱۵ خط) صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir